

بر خوان غم چو آدمیان را اصلا زدند...

مرثیه سرایی در ادب فارسی

مرثیه شعری را گویند که در سوگ خوبشاونندان، بزرگان، پادشاهان، وزیران، بزرگان قوم، عالمان دین و ذکر مصیبت ائمه معصومین بویژه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران او سروده شده باشد. در مرثیه، شاعر به بیان و ذکر مناقب و فضایل و مکارم شخص در گذشته می‌پردازد. شأن و مقام او را تجلیل می‌کند و از دست رفتنش را قایم‌های عظیم می‌داند و در بر وفای دنیا و مسأله مرگ و زندگی سخن می‌گوید و بازماندگان را به صبر و شکیبایی فرا می‌خواند. مرثیه بر حسب نوع رابطه شاعر و شخص در گذشته، ممکن است پرتکلف و خشک و بی‌روح یا پراحساس و جانسوز و جذاب باشد. نخستین مرثیه‌هایی که در ادب پارسی به جای مانده اشعاری است که رودکی سمرقندی در رباعی دو شاعر هم عصر خویش ابوالحسن مرادی و شهید بلخی سروده است. سپس ابوالعباس فضل بن عباس ربنجی بخارا پس در ۳۳۱ ق در سوگ نصرین احمد سامانی و شادباش جانشین وی مرثیه‌ای سروده و ابو منصور عساکره مروزی شاعر اواخر عهد سامانیان در سوگ ابوالبراهیم اسماعیل بن نوح معروف به متعصر مرثیه‌ای گفته. فردوسی نیز در شاهنامه افزون بر شعری که در رباعی فرزند از دست شده خویش سروده، در سوگ قهرمانان شاهنامه نیز مرثیه‌هایی دارد. شاعران در مرثیه سرایی غالباً ترجیحات را بر می‌گزینند و پس از آن از قصیده بهره می‌جویند اما خود را بدین دو قالب شعری محدود نمی‌کنند. گاهی که شاعر به مناسبتی تنها یک قالب را برای بیان مقصود برگزیده، قصیده را نیز در همان قالب می‌سراید.

مانند مرثیه‌های شاهنامه که در مثنوی بحر متقارب قالب ویژه شاهنامه سروده شده است و مرثیه‌های حافظ که بیشتر در قالب غزل آمده است.

خاقانی شروانی مرثیه‌هایی را که در سوگ عمومی خویش گفته در قالب قطعه آورده و گاهی قالب‌های دیگری چون رباعی نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

مرثیه را بر حسب مناسبات سراینده یا شخص در گذشته به مرثیه رسمی و شخصی و از باب قدرت بعضی پادشاهان، وزیران و بزرگان کشور یا راستگاران آنها سروده می‌شود. این گونه مرثیه‌ها را معمولاً شاعران درباری می‌گویند. آنان گاهی به علت تأثر از مرگ مدح خویش که از وی صله دریافت می‌کرده و مورد توجه و عنایت وی بوده‌اند به سرودن مرثیه برانگیخته می‌شوند. اما غالباً بر حسب وظیفه و با بنا به دستور و فرمان پادشاه یا بزرگان کشور این کار را می‌کنند. مرثیه رسمی چون بنا بر وظیفه سروده می‌شود پُر تکلف و خشک و بی‌روح است. از مرثیه‌های رسمی می‌توان مرثیه عمیق بخارا پس را که به دستور سلطان سنجر و در مرگ دختر او مه‌ملک خاتون سروده نام برد. مرثیه فرخی سستانی در سوگ سلطان محمود غزنوی، مرثیه امیر معزی در سوگ سلطان ملک شاه سلجوقی، مرثیه انوری در سوگ یکی از بزرگان عصر او در زمزمه مرثیه‌های رسمی است. سعدی شیرازی نیز در سوگ سعد بن ابوبکر سلغری مرثیه‌ای گویا دارد که از قنایها و لطایف‌های متداول شاعران برکنار و مشتمل بر سخنان حکمت‌مند و اندرز و به

شیوه خاص سعدی در نهایت سادگی و روشنی است. گاهی بدان مناسبت که در گذشت پادشاه یا وزیری به جانشینی فرزند او پیوسته می‌گردد، مرثیه و تهنیت را در می‌آیزد و در شعر خویش بر مصیبت از دست رفتن شخص در گذشته افسوس می‌خورد و اندوهگینی می‌نماید و جلوس و جانشینی شاه یا وزیر کنونی را شادباش می‌گوید. در میان شاعران قدیمی شعر ابوالعباس فضل بن عباس بخارا پس که در سوگ نصرین احمد سامانی و شادباش جلوس فرزندش نوح بن احمد سروده از این دست است. فرخی نیز در قصیده‌ای با همان وزن و قافیه شعری در تعزیت مرگ سلطان محمود غزنوی و تهنیت جلوس فرزندش محمد به تخت پادشاهی سروده و امیر معزی در مرثیه فخرالملک و تهنیت منسوب شدن فرزندش قوام الملک به وزارت قصیده‌ای دارد از شاعران متأخر فتحعلی خان صا در رباعی آقا محمدخان قاجار و شادباش فتحعلی شاه شعری سروده است.

نوع دیگر مرثیه، مرثیه شخصی است که به مناسبت از دست رفتن یکی از خوبشان شاعر، چون فرزند، برادر، پدر، مادر، خواهر و نزدیکان دیگر یا دوست او سروده می‌شود. این گونه مرثیه، به علت پیوند عاطفی شاعر با درگذشته، معمولاً از سراهلاص گفته می‌شود و تراوش دلری سوخته و طبعی اندوهگین است. از این رو پرمایه و گریا و جانسوز و بی‌سوز و گذرا است. مرثیه فردوسی طوسی نیز مرگ فرزند سسی و هفت ساله‌اش که در شصت و پنج سالگی پدرو از جهان می‌رود نمونه‌ای برجسته از این گونه مرثیه‌هاست و از این قبیل است مرثیه مسعود سعد سلمان در

سوگ فرزندش صالح، مرثیه بسیار مشهور خاقانی در سوگ فرزندش و مرثیه وی در سوگ عمویش و مرثیه‌های کمال الدین اسماعیل، سعدی و حافظ و جامی که در سوگ فرزندان خویش سروده‌اند. نوع دیگر مرثیه شخصی، مرثیه‌ای است که شاعر در سوگ دوست نزدیک و مورد علاقه خود می‌سراید، تعداد این گونه مرثیه‌ها در ادب فارسی کم است و مشهورترین آنها مرثیه‌های کوتاه رودکی در سوگ دوستان شاعر خویش ابوالحسن مرادی و شهید بلخی است. از نظامی گنجوی نیز مرثیه‌ای بک بیبی در سوگ خاقانی بر جای مانده است. معنوه سعد سلمان در سوگ سید حسن غزنوی مرثیه‌ای جانسوز دارد. از شاعران معاصر، ملک الشعراء بهار در سوگ ایرج میرزا و جمیل زهاوی الصدقی شاعر عراقی مرثیه‌سرایسی کرده است. از جمله مرثیه‌های شخصی مرثیه‌ای است که شاعر در سوگ قهرمانان داستان خویش می‌سراید. گاهی شاعر با قهرمان خویش یگانه می‌شود و فاصله اثر با او از میان می‌رود و سرنوشت او را سرنوشت خویش می‌پندارد و از دست رفتن قهرمان باعث غم و اندوه و افسوس او می‌شود و در سوگ او به ماتم می‌نشیند و مرثیه می‌گوید. مرثیه‌های فردوسی بر سوگ سهراب و سیاوش و اسفندیار و رستم از این دست مرثیه‌هاست نوعی دیگر از مرثیه شخصی شعری است که شاعر در آن در موضوع مرگ و حیات، نزدیک بودن مردن خویش و بی‌رهوشه بودن و تپاه کردن عمر و جوانی و به امید و شوق وصل به معشوق حقیقی سخن گفته است که نمونه برجسته آن شعر پروین اعتصامی است که برای تقرب بر سنگ گور خویش سروده و ایرج میرزا نیز در این مورد، شعری گفته است.

مرثیه نوع سوم، مرثیه مذهبی است که شاعران در سوگ رهبران مذهبی، عالمان دین یا مصیبت امامان بویژه سیدالشهدا، (ع) و یاران او می‌سرایند. این نوع مرثیه و تقریباً با رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران، همزمان است از این رو مرثیه در ادب پارسی در سنخش با انواع دیگر شعر حیوان است. نخستین کسی که در ذکر مصیبت شهیدان کربلا کتاب نوشت، ملا حسین واعظ کاشفی در قرن نهم ق بود که کتاب روضه

از جمله مرثیه های شخصی مرثیه ای است که شاعر در سوگ قهرمان داستان خویش می سراید. گاهی شاعر با قهرمان خویش یگانه می شود و فاصله اثر با او از میان می رود و سرنوشت او را سرنوشت خویش می پندارد و از دست رفتن قهرمان باعث غم و اندوه و افسوس او می شود و در سوگ او به ماتم می نشیند و مرثیه می گوید مرثیه های فردوسی بر سوگ سهراب و سیاوش و اسفندیار و رستم از این دست مرثیه هاست.

الشهدا را پرداخت همچنین از شاعران قرن نهم کسانی چون کمال غیث الدین شیرازی، بابا سودائی ابوردی، تاج الدین حسن تونی سبزواری، ابن حمام قهستانی، خواجه اوحسدسبزواری، لطف الله نیشابوری و کسانی توشیزی را می‌توان نام برد که به واقع کربلا پرداخته‌اند و در عتبات ائمه شعر سروده‌اند اما پرآوازه‌ترین شاعر مرثیه‌سرای محتم کاشفی است که در روزگار شاه طهماسب اول صفوی ترکیب بند معروف خود را در دوازده بند در رثای امام حسین (ع) و یاران او سروده و با این که در انواع دیگر شعر، شاعری متوسط بود، در این راه به چنان موفقیتی دست یافت که مرثیه وی در شمار اشعار معروف فارسی قرار گرفت بعد از او نیشابوری از شاعران سبک و عیناق وی را تقلید کردند، اما کمتر به پایه او رسیدند. در آثار شعری متأخرتر، شیخ‌نسی در رثای سیدالشهدا، (ع) و یاران او طبع از موهبت کمال کاشفی حاج سلیمان طباطبائی یزدکی کاشفی شاعر اوایل قرن سیزدهم ق است که ترکیب‌بندی در اقتضای محتم سروده است. میرزا محمد شقیع مقلوب به میرزا کوچک وصال شیرازی نیز ترکیب‌بندی شیوا در رثای امام حسن (ع) دارد و میرزا محمودخان ملک الشعراء نیز ترکیب‌بندی بسیار فصیح و جانسوز مشتمل بر چهارده بند در رثای حضرت سیدالشهدا سروده که در زیبایی و هنر سخنوری با مرثیه محتم بهلول می‌زند. شاعران بسیار دیگری چون میرزا نورالله عمان سامانی، میرزا محمد تقی تیر، ملک الشعراء بهار، امیری

فیروز کوهی، محمدحسین شهریار، حسین پژمان بختیاری، اقبال لاهوری، جلال الدین همایی و مشفق کاشانی، در سوگ امام سوم (ع) مرثیه سروده‌اند. مرثیه‌ای که در سوگ بزرگان و عالمان دین سروده می‌شود، نیز به اعتبار آن که مرجعیت و حرمت آنان از دین سرچشمه گرفته، مرثیه مذهبی به شمار است و نمونه آن مرثیه سعدی بر مرگ معتزم آخرین خلیفه عباسی است که به فرمان هولاکوخان مغول کشته شد. مرثیه‌های مذهبی چون از ژرفای اعتقادات و احساسات شاعر بر می‌خیزد، اغلب پرسوز، جذاب و گیراست و نشان دهنده شور عاطفی و غلیبان احساسات سراینده آنهاست.

منبع: روبرو العالی، نوری، شعر و ادب فارسی، نگاه لطیف‌های عصر هشتاد و نه، ۱۳۶۶، ص ۷۶-۱۱۰، چراغ هاضمه، گزارش عمر اسرار با مقدمه علی موسوی کرمانشاهی، انتشارات چشم‌پوری، تهران، ۱۳۷۱، میرزا محمدتقی تیر، آشنکده تیر، کتابخانه فردوسی، تبریز، ۱۳۶۶، ص ۱۰۷-۱۱۳، محتم کاشفی، نوکیب بنده، الحسن خوشنویس، چاپ دوم، ۱۳۶۸، دکتر ضیاء الدین سعادی، مرثیه سراسر در ادب فارسی، نگاه هوایی، چهارشنبه این تیر، ۱۳۷۳، دکتر نورالدین قاضی، سرودی بر مرثیه و مرثیه پردازی در ادبیات فارسی، روزنامه فرهنگ، سه شنبه ۲۸ تیر ۱۳۷۲، دکتر ابوالقاسم رادفر، چند مرثیه از شاعران پارسی گوی، اسرری شاعفکاری ادب فارسی، اسررکیر، تهران، ۱۳۶۵، خاقانی سرودنی، دیوان، به کوشش دکتر ضیاء الدین سعادی، چاپ سوم، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۵۸-۱۶۰

« این مقاله برای درج در دایره‌المعارف ادب فارسی تهیه شده است